

« باکتری ها »

تاریخچه

اینکه پروکاریوتها و یا یوکاریوتها کدام یک زودتر بر روی کره زمین ظاهر شده‌اند، کاملاً مشخص نیست. اما مطالعات تفاوت‌های ژنتیکی بین یوباکتری‌ها، آرکی‌باکتری‌ها و یوکاریوت‌ها نشان می‌دهد که هر سه گروه از دنیای مشترکی مشتق شده‌اند. شکل باکتریها بر اساس شکل به ۶ گروه تقسیم می‌شود. پنج گروه اول را باکتریهای پست و گروه ششم را باکتریهای عالی گویند.

باکتریهای پست

این باکتریها تک یاخته‌ای بوده و اگر کروی یا بیضوی باشند، کوکوس و اگر میله‌ای شکل یا دراز باشند، باسیل و اگر خمیده باشند و بیبریون و چنانچه مارپیچی شکل و غیرقابل انعطاف باشند، اسپریل و اگر فنری و قابل انعطاف باشند، اسپیروکت نامیده می‌شوند.

باکتریهای عالی یا رشته‌ای

این باکتریها رشته مانند و اغلب غلاف دار هستند و اغلب اوقات شاخه‌های حقیقی ایجاد کرده، میسلایوم تشکیل می‌دهند و چون تشکیلات منشعب ایجاد می‌کنند، لذا اکتینومیست نامیده می‌شوند. بنابراین باکتریها از نظر شکل به ۶ گروه گرد، دراز، خمیده، مارپیچی، فنری و منشعب تقسیم می‌شوند.

نحوه تقسیم و طرز قرار گرفتن باکتریها

دیپلوکوکوس تقسیم فقط در یک سطح انجام می‌گیرد و باکتریها دو به دو، به یکدیگر اتصال دارند.

استرپتوکوک تقسیمات یاخته‌ای در یک سطح انجام می‌شود و چند باکتری بدنبال هم قرار می‌گیرند.

تتراد اگر تقسیم در دو سطح عمود بر هم باشد اشکال چهارتایی بوجود می‌آید.

سارسین تقسیم یاخته در سه سطح عمود بر هم انجام می‌شود و توده‌های هشت تایی شبیه پاکت پستی بوجود می‌آید.

استا فیلوکوک تقسیمات یاخته بطور نامنظم در سطوح مختلف انجام می‌گیرد و اشکالی شبیه به خوشه انگور بوجود می‌آید.

ساختار باکتریها

پوشینه در بعضی از باکتریها، غلاف ژلاتینی چسبناکی دیواره اسکلتی را احاطه کرده است که توسط باکتریها ساخته شده و به خارج ترشح می‌گردد و جنس پوشینه بیشتر از پلی ساکاریدها همراه با مواد دیگر است.

تاژک از واحدهای پروتئینی به نام فلاژین تشکیل شده و قابل ترمیم بوده و وسیله حرکت باکتری هستند. معمولاً طول آن چند برابر طول باکتری است. آرایش تاژک در باکتریهای تاژکدار بصورت تک تاژکی، دو تاژکی، چند تاژکی سطحی است.

تار به دو صورت جنسی و چسبنده وجود دارد و در عمل تحرک بی تأثیر است.

دیواره در بیرون غشای پلاسمایی بوده و سبب استحکام باکتری شده و به آن شکل می‌دهد. وجود دیواره برای رشد و تقسیم باکتریها لازم است.

غشای سیتوپلاسمی به صورت پرده نازکی در داخل دیواره باکتری قرار دارد و متشکل از مولکولهای چربی و پروتئینی است.

مزوزومها از فرورفتگی غشای سیتوپلاسمی به درون سیتوپلاسم حاصل می‌شود و اغلب در محل تقسیم دیواره وجود دارند و در عمل تقسیم DNA، تقسیم یاخته‌ای و تبدیل باکتری به هاگ دخالت می‌کنند.

اجزای سیتوپلاسم ریوزمها مواد ذخیره‌ای ماده زمینه کروماتومور ماده ژنتیکی که DNA آنها غالباً به صورت یک کروموزوم تاخورده و بهم فشرده است.

تولیدمثل باکتری

باکتریها به روشهای تقسیم مستقیم، آمیختگی، قطعه قطعه شدن یا به وسیله کنیدی و همچنین جوانه زدن تکثیر می‌یابند. برخی باکتریها توانایی ایجاد هاگ درونی را دارند. هاگ سبب مقاومت باکتری در برابر عوامل نامساعد محیط می‌شود. هر باکتری فقط یک هاگ می‌سازد و از هر هاگ یک باکتری بوجود می‌آید.

باکتری

باکتریها گروهی از موجودات تک یاخته‌ای ذره بینی هستند که پوشش بیرونی نسبتاً ضخیمی آنها را احاطه کرده است. این موجودات ساختار ساده‌ای دارند و به گروه پروکاریوتها تعلق دارند.

مقدمه

در عمل باکتری‌هایی که دارای خواص یکسانی باشند بندرت یافت می‌شوند، حتی باکتری‌هایی که از یک سلول منشا می‌گیرند ممکن است از نظر یک یا چند صفت با یکدیگر متفاوت باشند. این تفاوتها نتیجه تغییراتی است که به علت جهش ژنی یا موتاسیون در سلولهای باکتریایی پدید می‌آید. این باکتری‌های تغییر یافته، موتانت Mutant نامیده می‌شوند که از نظر بعضی از خواص نظیر ساختمان آنتی ژن، حساسیت در مقابل آنتی بیوتیکها و... با سایر باکتری‌های مشابه اختلاف دارند.

سهولت تغییرپذیری در باکتریها مربوط به سرعت تقسیم آنهاست. زمان تقسیم یا مدت زمانی که برای تولید یک سلول جدید در باکتریها لازم است، حدود ۲ دقیقه و در مورد انسان ۲۰ سال است. مثلاً یک سلول باکتری در مدت ۱۸ ساعت ۵۴ نسل بوجود می‌آورد. درحالیکه برای ایجاد همین تعداد نسل انسان بیش از ۱۰۰۰ سال زمان لازم است. پس جهش ژنی در باکتریها نسبت به موجودات عالی خیلی سریع و قابل ملاحظه است.

تفاوت یوکاریوتها با باکتریها

در کره خاکی تنها دو نوع سلول توسط کلیه ارگانیس‌مهای زنده تولید می‌شود. سلولهای پروکاریوت (یا هسته ابتدایی). در این گروه هسته، فاقد غشا است و شامل کلیه باکتریهاست. پروکاریوتها شامل یوباکتریها (باکتریهای حقیقی) و آرکئی باکترها (باکتریهای قدیمی) است. اما گروه دیگر یوکاریوتها هستند که دارای غشای هسته و هسته حقیقی می‌باشند. اینگونه هسته در تمام ارگانیس‌مهای دیگر مانند Algae (جلبکها) Fungi (قارچها)، پروتوزوئرها (protozoa) و گیاهان (Plant) و جانوران (Animals) یافت می‌شود. پاتوژنهای انسانی تنها در میان یوباکتریها یافت می‌شوند.

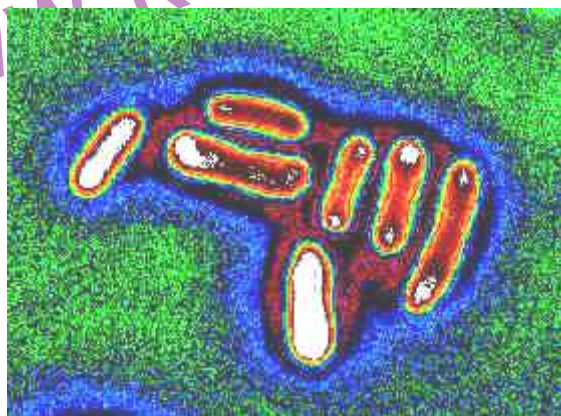
مشخصات سلول باکتری

اکثر باکتریها پوشش سلولی (cell envelope) تولید می‌کنند که شامل غشای پلاسمایی، دیواره سلولی (cell wall) و پروتئینها و پلی ساکاریدهای تشکیل دهنده آن می‌باشد. بعضی از باکتریها کپسول یا لایه چسبنده تولید می‌کنند. فیلامانهای خارجی (فلاژل و پیلی) ممکن است در باکتریها بوجود آید. دیواره سلولی، ساختمان سخت و مقاومی است که پروتوپلاست را احاطه کرده و آن را از آسیب فیزیکی و شرایط کاهش فشار اسمزی محیط خارج حفاظت می‌کند. معمولا به باکتری اجازه می‌دهد تا در برابر سطح وسیعی از شرایط محیطی

ایستادگی کند پروتوپلاست از غشای سیتوپلاسمی و محتویات آن تشکیل شده است.

از نظر محتویات سلولی ، باکتریها سلولهای ساده‌ای هستند. ساختمان اصلی سیتوپلاسم آنها شامل شبکه فیبریلی کروماتین مرکزی یا نوکلئوتید (Nucleoid) می باشد که توسط سیتوپلاسم بی شکل حاوی ریبوزومها احاطه شده است. اجسام انکوزیون سیتوپلاسمی یا گرانولهای ذخیره انرژی ، بسته به گونه‌های باکتری ماهیت شیمیایی متفاوتی دارند و مقدار آنها به مرحله رشد و محیط بستگی دارد. بعضی از ساختمانهای سلولی از قبیل آندوسپورها فقط به تعداد کمی از باکتریها محدود می شوند.

طبقه بندی باکتریها



باکتریهای پست

این باکتریها تک یاخته‌ای بوده و اگر کروی یا بیضوی باشند، کوکوس و اگر میله‌ای شکل یا دراز باشند، باسیل و اگر خمیده باشند و بیبریون و چنانچه مارپیچی شکل و غیرقابل انعطاف باشند، اسپریل و اگر فنری و قابل انعطاف باشند، اسپیروکت نامیده می‌شوند.

باکتریهای عالی یا رشته‌ای

این باکتریها رشته مانند و اغلب غلاف‌دار هستند و اغلب اوقات شاخه‌های حقیقی ایجاد کرده ، میسلیم تشکیل می‌دهند و چون تشکیلات منشعب ایجاد می‌کنند، لذا اکتینومیست نامیده می‌شوند. بنابراین باکتریها از نظر شکل به ۶ گروه گرد ، دراز ، خمیده ، مارپیچی ، فنری و منشعب تقسیم می‌شوند.

اجزای ساختمانی باکتریها

فلاژلها (Flagella)

فلاژلها ، فیلامانهای پروتئینی به طول و قطر یکنواخت می‌باشند و موجب تحرک شبیه به شنای سریع و مستقل اغلب باکتریها پاتوژنیک می‌گردند فلاژل در سه قسمت فیلامان ، قلاب و جسم پایه تشکیل شده است. پایه فلاژل در

غشای پلاسمایی قرار گرفته است. لنگرگاه و تعداد فلاژل در باکتریها فرق خواهد کرد.

فیبریاها

فیبریاها که پیلی هم نامیده می‌شوند، فیبریل‌های شبیه مو هستند به اندازه ۰.۰۰۴ تا ۰.۰۰۸ میکرون هستند. این ارگانل با میکروسکوپ الکترونی در سطح باکتریهای مختلف قابل رویت هستند. آنها مستقیم‌تر، نازکتر و کوتاهتر از فلاژلها هستند. این رشته‌ها در غشای پلاسمایی سلول میکروبی لنگر می‌اندازد.

هسته باکتری

هسته سلول را میتوان بعد از رنگ آمیزی اختصاصی با میکروسکوپ نوری مشاهده کرد. در مقایسه با سلولهای عالی مواد ژنتیکی باکتریها و سایر سلولهای پست پراکنده، ساده و بدون پوشش و کروموزوم حلقوی است غشای هسته وجود ندارد و کروموزوم به مزوزوم فرورفته در غشای سیتوپلاسمی چسبیده است. در سالهای اخیر پروتئینهای شبیه هیستون در باکتریها کشف شده است که احتمالاً نقش مشابه هیستونها را در کروماتینهای سلولهای یوکاریوت ایفا می‌کنند.

سیتوپلاسم

بیش از ۵۰ درصد پروتئین سلول در سیتوپلاسم قرار دارد و آنزیمهای متابولیسمی راههای گلیکولیز و بسیاری از آنزیمهای چرخه کربس، انواع کاتالازها، دهیدروژنازها، و مواد حد واسط چرخه های متابولیکی در سیتوپلاسم وجود دارد. روابط اتمی، یونی و الکترونی بین ترکیبهای مختلف سیتوپلاسمی با نظم خاص فعالیت‌های حیاتی را ظاهر می‌سازد.

پوشش سلول (Cellenvelope)

کپسول و لعاب (Capsules)

قدرت بیماری‌زایی پاتوژنها اغلب با تولید کپسول همراه است. باکتریهای کپسول‌دار در محیط جامد، کلنیهای مخاطی (Mucoid) یا صاف (Smooth) می‌سازند. در مقابل باکتریهای فاقد کپسول کلنیهای خشن (Rough) دارند. اگر باکتری قدرت کپسول‌سازی خودش را از دست بدهد در مقابل قدرت ویرولانسی (بیماری‌زایی) خود را از دست داده و در مقابل دستگاه ایمنی بدن میزبان تاب مقاومت نخواهد داشت.

دیواره سلولی

دیواره سلولی باکتریها بی نهایت پیچیده است و لایه سفت و سختی را در اطراف باکتریها ایجاد می کند که سلول را از گسیختگی و متلاشی شدن در مقابل فشار اسمزی خارج سلول محافظت می کند. همچنین دیواره محل تجمع عوامل آنتی ژن می باشد که باکتریها را توسط این آنتی ژنها از هم تمیز می دهند. باکتریها با روش رنگ آمیزی گرم (Gram stain) به دو دسته تقسیم می شوند.

گرچه هر دو گروه یعنی باکتریهای گرم مثبت و منفی دارای دیواره می باشند ولی فرق بین این دو گروه مربوط به خواصی است که در ساختمان دیواره سلولی آنها وجود دارد. اساس ساختمان در دیواره سلولی باکتریهای گرم مثبت یک لایه ضخیمی است از پپتیدوگلیکان (Peptidoglycan)، ولی در باکتریهای گرم منفی ضخامت آن به حداقل می رسد.

غشای سیتوپلاسمی

غشای سیتوپلاسمی غشای داخلی نیز نامیده می شود. غشای سیتوپلاسمی باکتریها مشخص بوده و از فسفولیپید و پروتئین ساخته شده است. این غشا در پروکاریوتها از غشای سیتوپلاسمی در یوکاریوتها به علت نداشتن استرول متمایز می شود. چین خوردگیهای غشای سیتوپلاسمی به درون سلول

ساختارهای ویژه‌ای به نام مزوزوم ایجاد می‌کند که کروموزومهای باکتریها به مزوزومها متصل هستند. غشا همچنین به عنوان یک سد اسمزی برای سلول عمل می‌کند و دارای سیتوپلاسم انتقال دهنده برای مواد محلول است و انتقال تولیدات سلولی را در مقابل با محیط خارج سلولی تنظیم می‌کنند.

تولیدمثل باکتری

باکتریها به روشهای تقسیم مستقیم، آمیختگی، قطعه قطعه شدن یا بوسیله کنیدی و همچنین جوانه زدن تکثیر می‌یابند. برخی باکتریها توانایی ایجاد هاگ درونی را دارند. هاگ سبب مقاومت باکتری در برابر عوامل نامساعد محیط می‌شود. هر باکتری فقط یک هاگ می‌سازد و از هر هاگ یک باکتری بوجود می‌آید.

بیماری سفیدک سطحی مو

عامل بیماری: *Uncinula necator*

مقدمه

سالها تصور می‌کردند که اصل و مبدا سفیدک حقیقی مو از آمریکا است ولی طبق بعضی از شواهد و مدارک موجود مبدا آن از سرزمین ژاپن است. ابتدا چنین به نظر می‌رسید که در اروپا این بیماری چندان مورد توجه واقع نمی‌شده است. بطور کلی این بیماری از لحاظ تاریخی یکی از قدیمی‌ترین

بیماری قارچی است در اواخر قرن گذشته شدیداً به تاکستانهای فرانسه حمله کرده است.

تاریخچه پیدایش بیماری در ایران

در ایران برای اولین بار در فاصله سالهای ۱۲۵۱-۱۲۵۰ این بیماری در ارومیه دیده شده است. همچنین طبق اطلاعات کسب شده ابتدا در نواحی مرکزی ارومیه بروز کرده و بعداً به سایر نقاط شمالی و غربی و جنوبی و بعضی نقاط دیگر سرایت کرده است.

Mildew این بیماری در نقاط مختلف ایران به نامهای سیاه بود (در

اصفهان)، آق (در ارومیه) چور (در مراغه)، قاریا (در قزوین) و باد زدگی (در

شهریار) نامیده می شود. سفیدک سطحی مو در اواسط قرن نوزدهم وارد

اروپای غربی شد و کم کم در تمام قاره منتشر گردید. عامل بیماری به

افتخار Tucker، باغبان انگلیسی که اولین بار در سال ۱۸۴۵ متوجه بیماری

شد Oidium tuekeri Berk نامگذاری شد. در سال ۱۸۴۷ برای اولین بار

بیماری در فرانسه مشاهده شد و خسارت شدید به مویزها و فراورده های

آن وارد گردید. گزارش معتبری درباره اولین گزارش و محل بروز بیماری

در ایران دیده نشد. بنا به مطالعات به عمل آمده بیماری سفیدک سطحی مو

اولین بار بین سالهای ۱۲۵۰-۵۱ در ارومیه بوسیله حسنعلی نواب دیده شده

است - و امروز در تمام نقاط موخیز کشور به ویژه در موکاریهای آذربایجان شرقی و غربی، خراسان، اطراف تهران، زنجان، اراک، قزوین، اصفهان، فارس، گلپایگان، باختران، خرم آباد لرستان و محلات شیوع دارد و خسارت هنگفتی را باعث می شود خسارت بیماری در مناطق با شرایط مناسب آب و هوایی مخصوصاً روی ارقام حساس بسیار شدید است. بطوریکه گاهی یک خوشه سالم نیز روی این بوته های مو نمی توان مشاهده کرد و ۱۰۰٪ محصول غیر قابل فروش و استفاده می شود.

مناطق انتشار در ایران

در ایران بیماری سفیدک مو در نقاط آذربایجان، خراسان و اطراف تهران، زنجان، اراک، قزوین، اصفهان، ارومیه، فارس، کاشان، کرمانشاه، گلپایگان، خرم آباد، محلات و بطور کلی در کلیه استانهای ایران در تمام نقاط انگورخیز ایران به چشم می خورد.

عامل بیماری

عامل بیماری سطحی مو قارچی است از رده آسکوسیتها و از خانواده Erysiphaceae. رشته‌های میسلومی این قارچ دارای رشد سطحی بوده و بوسیله هوستوریوم یا لکه‌هایی به داخل سلولهای اپیدرمی و کوتیکول نفوذ می‌نماید. بر روی توده‌های متراکم میسلیوم پایه‌های کنیدیوفور تشکیل می‌گردد که در انتهای آن زنجیری از کنیدی‌ها قرار می‌گیرند. کنیدی‌ها بی‌رنگ، تخم‌مرغی کشیده بدون جدار عرضی است. پریتسیوم یا اندام جنسی قارچ در اواخر فصل به ندرت روی برگها و یا ساقه تشکیل می‌گردد. در داخل هر پریتسیوم چند آسک و هر آسک محتوی هشت آسکوسپور می‌باشد.

زیست‌شناسی

قارچ عامل سفیدک سطحی مو زمستان را به صورت میسلیوم در داخل جوانه‌ها به سر می‌برد. در اول بهار رشد نموده کنیدی و کنیدیوفور ایجاد می‌نماید و بدین وسیله بیماری از سالی به سال دیگر انتشار می‌یابد. کنیدی‌ها نیز ممکن است در زمستان زنده باقی بمانند و موجب انتقال بیماری در سال آینده شوند. بعضی از محققین معتقدند که آلودگی اولیه سفیدک سطحی در اوایل بوسیله آسکوسپورهایی که از داخل پریتسیوم‌های موجود روی برگهای

افتاده آزاد می شوند بوجود می آیند احتمالاً در ایران پریتسیوم در انتقال بیماری از سالی به سال دیگر نقشی ندارد.

زیرا این اندامها به ندرت فقط در ارومیه ، کاشان ، کرج ، مراغه ، تهران و آن هم به تعداد کم دیده شده است و با توجه به این که سفیدک در تمام مناطق موکاری کشور شیوع دارد به احتمال زیاد انتشار آن توسط میسلیوم و یا احتمالاً کنیدی صورت می گیرد. درجه حرارت پایین تر از ۵ درجه سانتیگراد برای رشد سفیدک مناسب نیست و از ۳۰ درجه سانتیگراد به بالا هم قارچ از رشد باز می ایستد.

علائم بیماری:

علائم بیماری سفیدک حقیقی در روی همه ی اندامهای هوایی جوان ظاهر می گردد.

علائم این ابتدا به صورت لکه های سفید در سطح فوقانی برگ ظاهر می شود و سپس روی آنها کنیدیوفورهای قارچ به صورت پودر یا پوشش آردی ظاهر می گردند . اگر بیماری تشدید یابد سطح تحتانی برگها نیز ممکن است به سمت بالا لوله شود .

برگهای آلوده در تابستان قهوه ای شده زودتر از پائیز خزان می کنند. علائم بیماری درون سر شاخه های جوان نیز به صورت لکه های سفید ظاهر می گردند. در پائیز لکه ها به رنگ قهوه ای مایل به سیاه در می آیند. قارچ روی غوره ها را به صورت پودر سفید رنگی می پوشاند. حبه ها ترش و نارس باقی می مانند. در حبه های رسیده تر آن قسمت از پوست حبه که آلوده به بیماری است رشد نمی کند ولی در اثر رشد مداوم قسمت سالم حبه ترک خورده و دانه آن نمایان می گردد.

دوره بیماری :

قارچ عامل سفیدک سطحی مو زمستان را بصورت میسیلیوم در داخل جوانه ها یا کلیستوتس روی اندام آلوده طی کند، کنیدیها نیز ممکن است در زمستان زنده باقی بمانند و موجب انتقال بیماری در سال آینده شوند. بعضی از محققان معتقدند که آلودگی اولیه سفیدک سطحی در اوایل می تواند بوسیله آسکوسپور نیز بوجود آید.

احتمالاً در ایران کلیستوتس در انتقال بیماری از سالی به سال دیگر نقشی ندارد. زیرا این اندام بندرت فقط در رضائیه ، کاشان ، کرج ، مراغه و تهران و به تعداد کم دیده شده با توجه به اینکه سفیدک در تمام مناطق موکاری کشور

شیوع دارد به احتمال زیاد انتشار آن توسط میسلیوم و یا کنیدی مخصوصاً در مناطق گرم صورت می گیرد. کلنی قارچ در پایین تر از ۶ درجه سانتیگراد رشد نمی کند و در ۳۶ درجه سانتیگراد در مدت ۱۰ ساعت از بین می رود. در

سال ۱۳۷۱ فرم جنسی قارچ در موکاریهای استان فارس نیز توسط بنی هاشمی و پروین گزارش شده است، قارچ در 40 C سریعاً از بین می رود.

در نواحی گرم جنوبی کشور بیماری سفیدک سطحی مو خسارت زیادی وارد نمی کند. در نواحی مرکزی و شمال غربی تاکستان هایی که بر روی تپه ها و

نقاط مرتفع سرد قرار دارند ، بیماری سفیدک در آنها کمتر از بوستانهایی است که در دشت یا نقاط پست قرار دارند.

معلوم شده که سرمای سخت زمستان مانع ظهور سفیدک نمی شود . در سال ۱۳۳۱ در قریه تینا، دهکده ای در شرق خراسان سرمای زمستان بقدری شدید

بود که شاخه های مو و پایه های آن در اثر یخبندان گزند فراوان دید با این

وجود در تابستان سال بعد سفیدک تقریباً با همان شدت سالهای گذشته در بوستان ها شیوع داشت.

آب آزاد باعث کاهش جوانه زدن کنیدیها و همچنین تولید آنها می گردد. باران می تواند با شستن کنیدیها و بعضی از میسلیومها باعث شدت بیماری شود.

رطوبت نسبی هوا بین ۴۰ تا ۱۰۰٪ برای جوانه زدن کنیدیها کافی است و حتی در رطوبت نسبی ۲۰٪ نیز کنیدیها قادر به جوانه زدن می باشد. رطوبت نسبی هوا بیشتر در تولید کنیدیها مؤثر است تا جوانه زدن آنها. آفتاب تابان از جوانه زدن کنیدیها جلوگیری می کند.

آفتاب باعث جلوگیری از تندش کنیدی و کاهش شدت بیماری می گردد. در موستان انگور یا قوتی سعید آباد شهریار مشاهده شده که خوشه های مو پایه کوتاه و خوابیده روی پسته خسارت شدید از سفیدک سطحی مو دیده ولی خوشه هایی که در معرض تابش نور قرار گرفته بودند بیماری بسیار کم بوده است.

نشانه های بیماری

علائم بیماری روی قسمت های هوایی درخت یعنی شاخه، برگ، گل، حبه و سرشاخه های جوان دیده می شود. ولی بارزترین بیماری روی خوشه دیده می شود و بیشترین خسارت هم در اثر آلودگی خوشه ها ناشی می شود. روی سطح حبه های آلوده علائم به راحتی قابل تشخیص است. پوشش سفید متمایل به خاکستری (بور) روی حبه ها مخصوصاً در اطراف دمگاه آنها که توده های میسلیوم، کنیدیوفورها و کنیدیهای قارچ عامل بیماری است، بوجود

می آید. زیر پوشش مذکور در سطح پوست حبه ها، لکه های نکروتیک دیده می شود که رنگ آنها قهوه ای متمایل به تیره است. صدمه قارچ به پوست و نکروز شدن آنها باعث ترکیب حبه ها شده و راه نفوذ قارچهای دیگر را فراهم می سازد. حمله بیماری به دانه ها در اوایل تشکیل باعث ریزش زیاد از حد حبه های تازه تشکیل شده می شود و خوشه ها تنک می گردد. آلودگی خوشه ها موجب ریزش، کثیف شدن و ترکیب حبه ها شده و گاهی همراه با پوسیدگی و ترشیدگی می باشد.

روی برگها ابتدا لکه های پودری به رنگ سفید کثیف ظاهر می شود که گاهی در آغاز بسیار کوچک است و تشخیص آن مشکل است سپس بتدریج این لکه ها بزرگتر و رنگشان متمایل به خاکستری شده و مشهود می گردد. پریدرم برگ در محل لکه ها رنگ متمایل به قهوه ای پیدا کرده و گاهی پهنک برگهای آلوده توأم با چین خوردگی و یا تورم مختصر می گردد.

علائم روی سرشاخه ها نیز شبیه لکه های برگ است و باعث پیدایش لکه های نکروتیک شده و قهوه ای کم رنگ می شود. روی شاخه های ۱ تا ۲ ساله لکه های قهوه ای پررنگ مخصوصاً در پائین وزمستان دیده می شود. در شرایطی که بیماری شدید و شرایط محیطی مساعد باشد سرشاخه های آلوده از یک پوشش سفید پوشیده شده، خمیدگی پیدا کرده و سرعصایی می شود.

بیولوژی:

فرم جنسی پاتوژن یک آسکومیست و فرم غیر جنسی یک دئوترومیست است.

پاتوژن بصورت میسلیم روی شاخه ها و همچنین بصورت اندامهای

جنسی (کلیستوتسیوم) در برگ های ریخته شده پای درختان زمستان گذرانی

می کنند. در فصل بهار آلودگی توسط میسلیم شروع می شود.



مبارزه:

۱- مبارزه زراعی:

مبارزه زراعی عبارت است از انتخاب پایه های مقاوم به بیماری همانطور که قبلاً گفته شد گونه های آمریکائی به این بیماری نسبتاً مقاوم بوده و به ندرت آثار بیماری را نشان می دهند. بنابراین می توان با استفاده از این گونه ها و واریته های مشتق از آنها کاملاً از بیماری جلوگیری کرد.

امروزه در بیشتر سازمانهای کشاورزی آمریکا و فرانسه مشغول ایجاد و تهیه گونه های هیبرید مقاوم به این بیماری هستند و تاکنون قدمهای مؤثری در این راه برداشته شده است. عملیات کشاورزی در کنترل سفید حقیقی بسیار قابل توجه می باشد. بیماری سفیدک سطحی مو در نقاط سایه دار و مرطوب تاکستان شدت بیشتری دارد. بنابراین برای جلوگیری از آلودگی و محافظت درختان و جوانه های در حال رشد مو می بایستی مو را با فاصله مناسب بکاریم، آنها را مرتب هرس کنیم و حتی الامکان روی داربست نگهداریم تا آفتاب به تمام قسمتهای درخت برسند و هوا در بین شاخه ها جریان داشته باشد تا رطوبت کم شود.

۲- مبارزه شیمیایی :

گوگرد از قدیمی ترین فرآورده هایبست که برای کنترل و مبارزه سفیدک سطحی میوه مصرف داشته و هنوز هم به لحاظ اثرات خوب و نیز قیمت ارزان آن بمقدار وسیع در موستان ها مصرف می شود. گوگرد هم اثر جلوگیری کنندگی و هم خاصیت معالجه کنندگی دارد و بیشتر بصورت گل گوگرد و یا پودر وتابل مصرف می شود. در نواحی خشک و نیز در موستانهائیکه بوته های موردی پسته افتاده است گرد پاشی توصیه می شود ولی در نواحی که در فصل رشد گیاه باران زیاد می بارد و یا درخت مو روی درخت داربست نگهداری می گردد و محلول پاشی و یا پودر وتابل بهتر است . زیرا اولاً تمام اندامها و قسمت های درخت آغشته به سم می شود و ثانیاً خواص آن تا مدت زیاد دوام دارد. اثر قارچ کشی گوگرد بطور عمده مربوط به مرحله تصعید آنست و ترکیبات حاصله از تصعید گوگرد بستگی به شکل گوگرد (گرد - پودر وتابل و اندازه ذرات) و نیز عوامل جوی بخصوص حرارت و رطوبت دارد. گوگرد بین ۲۵ تا ۳۰ درجه سانتیگراد بهترین نتیجه از نظر خاصیت قارچ کش دارد و در کمتر از ۱۸ درجه سانتیگراد مؤثر واقع نمی شود. بالاتر از 30 C ممکن است ایجاد گیاه سوزی کند. مصرف گوگرد در هوای ۲۵ درجه حرارت بالاتر توصیه نمی شود.

برای حصول نتیجه رضایت بخش و کنترل مطلوب بیماری سفیدک سطحی مو، باید موستانها را ۳ تا ۴ بار با گل گوگرد گردپاشی و یا با گوگردهای وتابل به شرح زیر محلول پاشی کرد.

دفعه اول: وقتی که شاخه های تازه روئیده در بهار ۳ تا ۴ برگ روی آن ظاهر شده است در این نوبت در هر هکتار موستان بطور متوسط ۲۰-۱۵ کیلوگرم گل گوگرد مصرف می شود.

دفعه دوم: همزمان است با موقعی که درخت مو در حال گل دهی است و سنبله های آن کاملاً ظاهر شده اند در این مرحله ۳۰ کیلوگرم در هر هکتار گل گوگرد کافی است.

دفعه سوم: موقعی که خوشه ها کاملاً از گل در آمده و حبه های تازه تشکیل شده به اندازه ماش و نخود می باشد در این مرحله ۴۵ کیلوگرم گل گوگرد در هر هکتار پاشیده می شود.

در مناطق و یا سالهاییکه بیماری شدت زیاد داشته باشد می توان موستان را برای بار چهارم به فاصله ۱۵ تا ۲۰ روز بعد از مرحله سوم سمپاشی کرد.

توجه:

اول اینکه مقدار گل گوگرد بر حسب تراکم درخت در در واحد سطح و نیز حجم آنها فرق می کند و مقادیر توصیه شده در حد متعارف است بدیهی است در موستانهائیکه درختان آنها بیش از حد متعارف و مسن باشد مقدار گل گوگرد در هر مرحله تا ۱۰ کیلوگرم افزایش می یابد.

دوم اینکه در نواحی مرطوب و پر باران بهتر است از گوگرد و تابل استفاده گردد، گوگرد و تابل با غلظت ۲ تا ۳ در هزار با آب مصرف می شود. محلول پاشی اول و دوم بهتر است با غلظت ۲ در هزار و دفعه سوم و یا چهارم با غلظت ۳ در هزار سمپاشی شود، نکته سوم اینکه موقع سمپاشی دقت شود تمام قسمت های درخت کاملاً با محلول سمی آغشته گردد و نکته چهارم اینکه مطالعات به عمل آمده در آذربایجان نشان می دهد که کارائی گل گوگرد و گوگرد آسیابی فرق معنی داری با یکدیگر ندارند. علاوه بر گوگرد، ترکیبات نسبی و چند قارچ کش آلی مانند: دینوکاپ (کاراتان)، بنومیل و تری آدیمفون نیز برای کنترل بیماری سفیدک سطحی مصرف می شود و نتایج خوبی هم داده است. قارچکشهای آلی مذکور در طیف وسیعتری از درجه حرارت نسبت به گوگرد خاصیت قارچ کشی داشته و به غیر از دینوکاپ، خاصیت گیاه سوزی آنها کمتر است ولی مصرف مکرر آنها می تواند، در قارچ عامل بیماری مقاومت به وجود آورد.

مبارزه شیمیایی

شدت خسارتی که به وسیله بیماری سفیدک مو بوجود می آید موجب شده است که یک سلسله تحقیقات موثر دامنه داری از نظر مبارزه عملی و اطمینان بخش انجام می گیرد. برای این کار از ترکیبات و مواد شیمیایی مختلفی استفاده به عمل آمده است که می توان به گوگرد ، الوزال ، کاراتان اشاره کرد.

بیماری سیاهک آشکار گندم و جو (Loose smut)

عامل بیماری : *Ustilago nuda* or *U. tritici*

این بیماری اولین بار در سال ۱۳۲۶ در ایران گزارش شد و هم اکنون در تمام مناطق کشور انتشار دارد ولی خسارت آن در مقایسه با سیاهک پنهان در درجه دوم اهمیت قرار دارد.

علائم بیماری:

این بیماری در فاصله میان خوشه دهی تا رسیدن محصول نمایان می شود. ابتدا خوشه های آلوده سیاه می شوند و در میان خوشه های سالم سبز رنگ مشخص هستند. بیشتر خوشه های آلوده کمی زودتر از خوشه های طبیعی ظاهر می شوند. خوشه ها تماما به توده سیاه رنگ تبدیل می شوند به

همین جهت سیاهک

لخت یا آشکار گفته می شود. این توده سیاه رنگ همان تلیوسپوره های قارچ عامل بیماری، کروی شکل با دیواره ضخیم هستند و در زیر میکروسکوپ به رنگ قهوه ای تیره دیده می شوند، تلیوسپورها پس از تشکیل توسط باد یا حشرات در مزرعه منتشر می شود. و از خوشه های آلوده فقط محور اصلی باقی می ماند.

مبارزه:

چون قارچ عامل بیماری در پریکارپ و داخل جنین بذر قرار دارد ضد عفونی بذر با سموم سیستمیک مانند توپسین و ویتاواکس و یا کربوکسین تیرام به نسبت ۲ در هزار توصیه می شود.

سابقاً " بذور را در آب ۲۶-۳۰ درجه سانتیگراد به مدت ۶ ساعت قرار داده و سپس به آب ۵۴ درجه منتقل می کردند و سریعاً " در آب سرد قرار داده و خشک می کردند.



پیچیدگی برگ هلو Peach Leaf Curl:

بیماری پیچیدگی برگ هلو که به فارسی بیماری لب شتری و یا بیماری باد سرخ هلو نامیده می شود ، اولین بار در اوایل قرن نوزدهم در اروپا شناخته شده است و در آمریکا نیز بیماری مزبور زودتر از سایر بیماری های هلو مشخص گردیده است و در سال ۱۸۴۵ از ایالات شرقی آمریکا و در سال ۱۸۵۵ از ایالت کالیفرنیا گزارش شده است . در ایران نیز احتمالاً بیماری از قدیم الایام وجود داشته است ولی اولین گزارش کتبی مربوط به سال ۱۳۲۵ از اسفندیاری می باشد . بیماری پیچیدگی برگ هلو ب

آنکه در بعضی از مناطق جهان به علت نا مساعد بودن شرایط محیطی وجود ندارد ولی خسارت آن در اروپا و قسمت هایی از چین ، افریقا ، استرالیا ، آمریکای جنوبی ، آمریکای شمالی و زلاند نو شدید می باشد . در ایران بیماری از نواحی آذربایجان ، سواحل دریای خزر ، استان های مرکزی ، اصفهان ، خراسان و زنجان گزارش شده و احتمال می رود که در بعضی مناطق هلو کاری دیگر نیز وجود داشته باشد .

علائم بیماری

خسارت بیماری شامل پیچیدگی ، تورم و تغییر رنگ و ریزش برگ ها و آلودگی جوانه ها و سر شاخه ها و سرانجام ضعف کلی درخت می باشد .

درختان جوان بیش از درختان پیر در برابر این بیماری حساس هستند و به طور کلی بیماری در مناطق گرم و خشک اهمیت اقتصادی ندارد. مشخص ترین علائم بیماری روی برگ ها ظاهر می شود، به این که در بهار برگ ها پیچیده و پهنک در بعضی از قسمت ها متورم، کلفت و به رنگ سفید، زرد یا قرمز در می آید. به همین جهت در اصطلاح زبان فارسی بیماری لب شتری نامیده می شود. میوه ها نیز ممکن است آلوده شود و قبل از موعد مقرر بریزند. برگ های آلوده به بیماری زود ریخته و برگ هائی که بعداً تشکیل می گردند سالم باقی می مانند. نشانه های بیماری ممکن است فقط روی تعدادی از برگ های هر درخت ظاهر شود ولی عملاً تمام برگ ها را مبتلا می گرداند. موقعی که برگ های آلوده به رنگ قرمز یا ارغوانی در آمدند تشکیل اسپورهای قارچ عامل بیماری در سطح فوقانی شروع می شود. بارقارچ به صورت گرد خاکستری رنگی سطح برگ را می پوشاند و در همین موقع برگ ها به رنگ قهوه ای روشن درآمده و خزان می کند. این ریزش برگ بستگی به شرایط آب و هوائی دارد. به طوری که در هوای گرم و خشک برگ ها زودتر و معمولاً در اوایل تیر ماه یا در مرداد ماه می ریزد و اگر مقدار زیادی از برگ ها خزان کند برگ های جدیدی از جوانه های خواب تشکیل و ظاهر می شود.

شاخه های جوان مبتلا نیز کمی متورم شده و رشدشان متوقف می گردد و یا اینکه به رشد خود ادامه داده و لکه ها به صورت شانکر باقی می مانند . شکوفه ها و میوه های جوان آلوده نیز اغلب قبل از موعد می ریزد . روی پوست میوه های بزرگتر ، قسمت های تغییر رنگ یافته و چروکیده ای ظاهر می شود .

عامل بیماری

قارچ عامل پیچیدگی برگ هلو اولین بار در سال ۱۸۷۵ توسط برکلی به نام *Ascomyces deformans* مشخص گردیده اما این نام با آنکه بعداً در سال ۱۸۶۹ توسط فوکل به *Exoascus deformans* تغییر یافت ، تولازنه در سال ۱۸۶۶ نام این قارچ را *Taphrina deformans* که در واقع همانم دو گونه فوق الذکر است می داند میسلیوم و هیف های رویشی این قارچ با قارچ های دیگر متفاوت و مشخص می باشد . هیف های نسبتاً کوتاه ، خمیده ، پیچیده و طویل آنها بسیار متغیر و بندهای هیف نیز نامنظم می باشد و این نوع هیف ها را معمولاً در بافت پارانشیم برگ می توان یافت . هیف های زایشی یا آسک زای قارچ روی هیف های رویشی تکامل یافته تشکیل می گردد . هیف های رویشی زیر اپیدرم سطح فوقانی و ندرتاً سطح تحتانی برگ می رویند . این هیف ها در

بین سلول های اپیدرمی نفوذ کرده و آزادانه بین اپیدرم و کوتیکول در جهات مختلف رشد و نمو می نمایند . سپس بزودی لایه هیمنیوم بین بافت اپیدرم و کوتیکول تشکیل می گردد . آنگاه هیمنیوم در بافت آلوده شکل گرفته و سرانجامتشکیل آسکوسپوره های قارچ را می دهد . آسک ها معمولاً اندازه شان متغیر و به طول ۱۷-۳۶ میکرون و عرض ۷-۱۵ میکرون می باشند . در داخل هر آسک معمولاً هشت آسکوسپورکروی که قطر آن بین ۳-۷ میکرون است تشکیل می شود . آسکوسپورها عموماً به طریق جوانه زدن تندش می یابند و تولید کنیدی می کنند .

چرخه بیماری

گلمیک می نویسد که قارچ عامل بیماری پیچیدگی برگ هلو زمستان را به صورت میسلیم روی شاخه ها و بدون اینکه داخل بافت شوند به سر می برد . در بهار همزمان با بارندگی های فصلی کنیدی هائی توسط میسلیم روی

برگ های جوان تشکیل می شود . در بهار های پر باران آلودگی و شیوع بیماری شدت دارد . موقعی که قارچ مدتی در برگ گسترش یافت در بین بافت اپیدرم و کوتیکول لایه قارچی متراکم و سفیدی به نام هیمنیوم تشکیل می دهد که در آن آسک و در داخل آسک آسکوسپور ایجاد می گردد . آسکوسپورها تقریباً اوائل خردادماه از داخل آسک خارج شده و توسط باد

روی شاخه و یا درختان مجاور انتقال می یابند و در آنجا جوانه زده و تولید میسلیوم هائی را که زمستان گذرانی قارچ را به عهده دارند می کند . بعضی ها گفته اند که زمستان گذرانی این قارچ به وسیله اسپورهائی که در اواخر تابستان و قبل از خزان برگ ها تشکیل می گردد انجام می شود . این اسپورها روی فلس های جوانه ها یا در سطح شاخه های جوان بسر برده و در بهار با بارش باران شسته شده و روی جوانه های برگ قرار می گیرند و با فراهم شدن شرایط محیطی مساعد جوانه زده و آلودگی شروع می شود . اندرسون می نویسد به طور کلی در مناطقی که فصل بهار در آنجا شبانم و بارندگی کم و هوا نسبتاً گرم باشد عموماً شرایط برای شیوع بیماری پیچیدگی برگ هلو نامساعد است .

مبارزه

۱ – برای کنترل بیماری پیچیدگی برگ هلو دو نوبت سمپاشی با ترکیب بوردو

،/۱

اولی در پائیز پس از ریزش ۵۰٪ برگ ها و دومی در اواخر زمستان قبل از تورم جوانه ها توصیه می شود .

Plant Disease Control , Oregon State University , U.S.A

۲ – سمپاشی با ترکیب بوردو یک نوبت در اواخر پائیز پس از ریزش برگ ها و یا در اواخر زمستان قبل از تورم جوانه ها توصیه می شود . باید توجه شود که پس از باز شدن جوانه سمپاشی اثر ندارد .

.Paul C. Pecknold , Extension Plant Pathologist , U.S.A

۳ – پس از آلودگی برگ ها دیگر مبارزه ممکن نخواهد بود چون آلودگی زمان تورم جوانه ها روی می دهد . سمپاشی با ترکیب بوردو پس از ریزش برگ ها و یا در اواخر زمستان قبل از تورم جوانه ها توصیه می شود .

Paula Flynn , Department of Plant Pathology , Iowa State University , Ames , Iowa, U.S.A

۴ – دو نوبت سمپاشی با ترکیب بوردو توصیه می شود . سمپاشی اولی در دوره خواب درخت و سمپاشی دومی قبل از تورم جوانه ها و زمانی که هنوز رنگ جوانه ها عوض نشده می باشد .

University of California , Agriculture and Natural Resources , U.S.A

۵ - با یک نوبت سمپاشی با ترکیب بوردو در پائیز قبل از برگ ریزان و یا در بهار قبل از متورم شدن جوانه ها بیماری کنترل می شود. اگر خطر بیماری شدید باشد سمپاشی در هر دو زمان توصیه می شود.

Bruce Watt , Plant Pathologist , Pest Management Office ,
Orano , U.S.A

۶ - سمپاشی با ترکیب بوردو در دوره خواب توصیه می شود. سمپاشی ممکن است در پائیز پس از ریزش برگ ها یا در اوایل بهار ۳ تا ۴ هفته قبل از متورم شدن جوانه ها انجام شود. سمپاشی پس از باز شدن جوانه ها بی اثر است.

The Plant Disease Diagnostic Clinic , at Cornell University , NY
., U.S.A

۷ - سمپاشی با ترکیب بوردو توصیه می شود.

University of Connecticut , Integrated Pest Management ,
.U.S.A

۸ – سمپاشی با ترکیب بوردو در پائیز و یا در بهار قبل از متورم شدن جوانه ها توصیه می شود . اگر در بهار قارچ بیماری وارد برگ یا میوه بشود کنترل بیماری دیگر امکان ندارد .

Illinois Fruit and Vegetable News , U.S.A

۹ – برای مبارزه با بیماری پیچیدگی برگ هلو سمپاشی با ترکیب بوردو توصیه می شود .

Integrated Pest Management (IPM) Solutions for The
Landscaping Professional , U.S.A

مدیریت مبارزه با نماتد ها

مبارزه علیه نماتدچندان آسان نیست زیرا در داخل خاک یا نسوج گیاهی که کمتر نفوذپذیر است زندگی می کنند و دسترسی به آنها آسان نیست.

• روشهای مبارزه:

الف) مبارزه زراعی: یکی از روشهای گیاهی متناوب است. یعنی باید دقت شود که گیاه میزبان به صورت مداوم کشت نشود. مبارزه بر علیه علفهای هرز میزبان نماتدها، استفاده از اقدام مقاوم نیز مؤثر است.

- رعایت نکات زیر نیز می تواند مفید باشد:

(۱) پرهیز از استفاده از بذر، غده یا پیاز آلوده.

(۲) جلوگیری از حمل و نقل خاک و اندامهای گیاهی آلوده (قرنطینه) از نقاط آلوده به سالم.

(۳) در صورت امکان سوزان یا کپوست کردن بقایای گیاههای آلوده (کپوست زمانی مؤثر است که حرارت از 730°C - 60°C درجه بالاتر رود).

(ب) مبارزه بیولوژیکی: کشت گیاهان از جنس *Togeten* که ترشحات ریشه آنها سمی است. برعلیه *Pretjlenchui* و *Tylenehorhynchun* روی گیاهان خانواده زارسه مفید بوده.

نماتدها هم مانند حشرات دارای دشمنان طبیعی هستند که شامل پروتوزوئورها، قارچها، نماتدهای شکارچی، کنه ها و غیره می شود. هرچند استفاده از این موجودات آسان نیست لیکن افزایش هموس خاک باعث افزایش جمعیت آنها مخصوص پروتوزوئورها می شود و یک تعادل نسبی در خاک به وجود می آید.

ج) مبارزه فیزیکی: نماتدها نسبت به حرارت بالا خاص هستند. لذا از حرارت می توان برای ضد عفونی خاک گلخانه ها، غده ها و پیازهای آلوده و غیره استفاده کرد.

د) مبارزه شیمیایی: در محصولات گرانبه و بخصوص در شرایطی که تناوب مناسب نیست روش مؤثری است که باعث حذف یا کاهش جمعیت نماتدها می شود. در پاره ای از مورد دیده شده که باعث افزایش باکتری های تثبیت کننده است و افزایش رشد گیاه می شود. البته این روش گران است و استفاده متوالی از آن ممکن است باعث ایجاد آلودگی خاک و بهم خوردن تعادل بیولوژیکی آن شود.

• ترکیبات نمادکشی:

این ترکیبات نماد را حذف نمی کنند بلکه جمعیت را تا زیر سطح زبان اقتصادی پائین می آورند. اغلب نمادکشیها قبل از کاشت مصرف می شوند. بعضی از ترکیبات جدی را می توان پس از کاشت و روی گیاه مصرف نمود، البته تعداد آنها کم است.

این ترکیبات ممکن است به صورت گاز، مایع یا جامد مصرف شوند. کارآیی مواد گازی یا مایعی که به صورت گاز در می آیند بهتر است و تعداد بیشتری

از نمادها را از بین می برد. زیرا این ترکیبات بهتر به درون ذرات خاک نفوذ

می کنند. ترکیبات جامد باید با آب مخلوط شوند یا با خاک مخلوط شده

و سپس مزرعه آبیاری شود. بعضی از این ترکیبات نیز به صورت گرانول

هستند که پس از آبیاری (مصرف) به صورت گاز در می آیند. این ترکیبات را

می توان همراه با کود و یا مستقل در سطح مزرعه پاشیده و سپس با خاک

مخلوط نمود. ترکیبات مایع نیز به کمک سمپاش در خاک پاشیده می شود.

خاک درون مزرعه پاشیده می شود. خاک مزرعه باید کاملاً نرم باشد تا

نمادکشی به صورت یکنواخت و کامل با خاک مخلوط شود. در هنگام

سمپاشی باید خاک از وضعیت مناسب برخوردار باشد. حرارت نیز از دیگر

عوامل مؤثر است. بخصوص در مورد فومیگانت ها حرارت نباید از ۱۰ درجه کمتر باشد. حرارت مناسب ۱۵ تا ۲۰ درجه سانتی گراد است (در عمق ۲۰ سانتی متری). پس از سم پاشی مزرعه آبیاری می شود و یا غلطک زده می شود یا هر دو مورد بهتر است که سطح مزرعه با پلاستیک پوشانده شود. اغلب نماتدکش ها برای انسان سمی هستند و باید با دقت مصرف شود.

نماتد ساقه و پیاز stem and bulb nematode

نماتد ساقه و پیاز *Ditylenchus dipsaci* (Kuehn) Filip گسترش جهانی

دارد. بیشتر در مناطق معتدل شیوع دارد و خسارت می زند. بیماری اولین بار در هلند در سال ۱۸۸۳ و در ایالات متحده در سال ۱۹۳۱ گزارش شده است. در ایران نماتد *Ditylenchus dipsaci* در روی یونجه گزارش شده است. علاوه بر این نماتد به ۴۰۰ گونه گیاه حمله می کند. اما نژاد خاصی از نماتد به پیاز حمله می کند. سبزیهائی از قبیل، سیر، لوبیا، باقلا، کلم، هویج، کرفس،

مارچوبه، جعفری، نخود، سیب زمینی و کدو مورد حمله نماتد *Ditylenchus dipsaci* قرار می گیرد.

مرفولوژی و بیولوژی

عامل بیماری نماتد *Ditylenchus dipsaci* (Kuehn) Filip می باشد که طول آن ۱-۱/۳ میلیمتر است و حدود ۳۰ میکرومتر قطر دارد. روی بدن استوانه ای آن خطوط اریب دیده می شود. دم نماتد نر و ماده تیز است هر نماتد ماده ۲۰۰ تا ۵۰۰ تخم می گذارد. اولین پوست اندازی در تخم انجام می شود. پوره مرحله دوم از تخم خارج شده، به سرعت پوست دوم و سوم را نیز انداخته و پوره قبل از بلوغ یا عفونت زرا را تولید می کند. این پوره می تواند شرایط یخبندان و خشکی شدید را تحمل کرده و در داخل بافت های گیاهی مثل ساقه ها، برگها، پیازها، بذرها یا در داخل خاک به سر می برد. هنگامی که قسمت های هوایی گیاه میزبان با غشائی از آب پوشیده می شود، نماتدها به طرف بالا حرکت کرده و خود را به سر شاخه ها و برگ های جدید و جوان می رسانند و سپس از طریق روزنه ها، شکافها یا مستقیماً به داخل پایه ساقه ها یا محور برگ رخنه می کند. بعد از ورود به گیاه میزبان پوست چهارم را انداخته، تبدیل به نر یا ماده می شود. چرخه کامل زندگی حدود ۱۹ تا ۲۵ روز طول می کشد. تولید مثل فقط مواقعی که هوا سرد است متوقف یا کند می شود. و قتیکه پیازها شدیداً آلوده شدند، می پوسند، پوره های قبل از بلوغ از آنها خارج شده و گاهی اوقات در اطراف ساقه زیرزمینی پیازهای خشک شده به صورت توده سفید

خاکستری پنبه‌ای که پشم نماتد خوانده می‌شود اجتماع کرده و برای سالهای سال در همین جا می‌تواند زنده بماند.

وقتی که نماتدها به بذر در حال جوانه زدن یا گیاهچه جوان حمله می‌کنند، از نزدیکی کلاهک ریشه هیپوکوتیل یا از نقاطی که هنوز داخل بذر است وارد می‌شوند. نماتدها بیشتر روی سلولهای پارانشیمی پوست تغذیه می‌کنند. در همین حال سلولهای اطراف نماتدها شروع به تقسیم شدن و بزرگ شدن می‌کنند. نتیجتاً برجستگیهایی روی گیاه بوجود می‌آید. گیاهچه‌ها بسته به اندازه و تراکم این برجستگیها ممکن است ناقص‌العضو شده پیچیده شوند، انحنای حاصل کنند و یا بصورت دیگری تغییر شکل دهند. شکاف برداشتن اپیدرم اغلب راه ورود برای مهاجمین ثانوی از قبیل باکتریها و قارچها باز می‌کند. بعد از رخنه نماتد سلولها بزرگ می‌گردند، کلروپلاستها ناپدید، فضاها بین سلولی داخل بافت پارانشیم افزایش می‌یابند. این اثرات اغلب قبل از تماس نماتد با سلولها ایجا می‌شود. و این دال براین است که تراوشات بزاقی قبل از پیشرفت نماتد منتشر می‌گردند.

علائم و نشانه‌های خسارت :

در مزارع آلوده به نماتد *Ditylenchus dipsaci* ظهور گیاهچه‌های پیاز به کندی انجام گرفته، میزان سبز شدن گیاه بطور قابل ملاحظه‌ای تقلیل می‌یابد. بیشتر از نصف تعداد گیاهچه‌های ظاهر شده بیمار و زرد رنگ هستند، پیچ خورده و هلالی بنظر رسیده و در امتداد کوتیلودون نواحی برجسته‌ای دیده می‌شود. کوتیلودونها معمولاً باد کرده‌اند و اپیدرمشان به صورت توری ترک برداشته و بیشتر گیاهچه‌های مریض ظرف سه هفته بعد از کاشت از بین می‌روند و بقیه بعداً می‌میرند. وقتی که در داخل خاک آلوده پیاز کاشته می‌شود علائم روی گیاهان در حال رشد تقریباً بعد از سه هفته شروع می‌گردد و شامل کوتولگی، لکه‌های زرد کم رنگ، آماس و زخمهای باز روی برگهاست. روی ساقه، جوانه‌ها یا گیاهان جوان برآمدگیهایی بوجود می‌آید و برگها کوتاه و پیچیده می‌شوند. نوک برگها از بین می‌رود و برگهای مسن‌تر به دلیل از بین رفتن تیغی میانی سلولها چنان ضعیف می‌شوند که نمی‌توانند خود را قائم نگهدارند و روی زمین می‌غلطند. ساقه و گردن پیاز نرم می‌گردد. پیازهای آلوده ممکن است شکاف بردارند یا اینکه جوانه زده و دوپیازه و ناقص شوند. پیازهای آلوده گاهی از بیرون سالم به نظر می‌رسند اما در انبار می‌پوسند.

کنترل:

۱- تناوبهای طولانی (۲-۳ سال) با گیاهان مقاوم از قبیل اسفناج، چغندر، کاهو

و گیاهان خانواده غلات

۲- استفاده از پیازو بذرکاری از نماتد

۳- ضد عفونی پیازو بذرآلوده با قراردادن در آب ۴۶ درجه سانتیگراد به مدت

یک ساعت

۴- مبارزه در مزارع بوسیله فومیگاسیون خاک

۵- بعد از کاشت سموم نماتدکش DD

۶- برای جلوگیری از آلودگی مجدد ضد عفونی وسایل کشاورزی

بهترین روش مبارزه با نماتد چغندر قند رعایت تناوب زراعی است

بهترین روش مبارزه با نماتد چغندر قند رعایت تناوب زراعی است:

رعایت تناوب زراعی ۳ تا ۵ ساله با گیاهان غیرمیزبانی چون یونجه، شبدر،

سیب زمینی و سورگوم، بهترین روش مبارزه با نماتد چغندر قند است.

به گزارش خبرگزاری کشاورزی ایران (ایانا) براساس بررسیهای انجام شده

توسط پژوهشگران نماتدها جانوران ریزمیکروسکوپی کرمی شکلی هستند که

با چشم غیرمسلح دیده نمی شوند و وجود آنها از روی علائم خسارت ایجاد شده بر ریشه قابل تشخیص است.

نماتد کیستی چغندر قند دارای نام علمی *Heterodera schachtii* بوده که علاوه بر چغندر قند به چغندر علوفه ای، لبویی، اسفناج، شلغم و کلم نیز آسیب می رساند و از مناطقی چون خراسان، اصفهان، فارس، آذربایجان و کرمانشاه گزارش شده است.

نماتد چغندر قند باعث کاهش محصول به میزان ۲۵ تا ۵۰ درصد و یا بیشتر بخصوص در آب و هوای گرم و در گیاهانی که دیرکشت شدند، شده است. اولین نشانه های آلودگی در اوایل فصل تابستان و در هنگام تابش آفتاب به صورت پژمردگی برگهای بوته چغندر قند بروز می کند و در هنگام شب و در هوای خنک برگها مجدداً حالت عادی و شادابی خود را باز می یابند. همچنین تولید بیش از حد ریشه های رشته ای شکل با کمی تورم و با زخم هایی در ناحیه نفوذ نماتد از علائم دیگر این بیماری است.

در اثر تغذیه نماتد از شیره گیاهی، ریشه های چغندر قند کوچک و ضعیف می شود و میزان درصد قند آن کاهش پیدا می کند، تغییر رنگ ریشه ها از سمت انتهایی به رنگ قهوه ای و سیاه از دیگر نشانه های این بیماری است.

گیاهان آلوده به نماتد دارای تغییر شکل در ظاهر می شوند و ارزش

بازارپسندی خود را از دست می دهند.

رعایت تناوب زراعی ۳ تا ۵ ساله، جلوگیری از ورود حیوانات به مزرعه، عدم

استفاده از فاضلاب کارخانجات قند جهت آبیاری و ضدعفونی وسایل

کشاورزی و ماشین آلات با گاز متیل بروماید از مهمترین روشهای کنترل

نماتد است.

همچنین بهترین سموم نماتدکش دی کلرو پروپین و دی کلرو پروپان، متام

سدیم، رازومت و تیمیک توصیه شده است.